

فقه تعزیه با تأکید بر پدیده ها و شبهات جدید در اطراف آن

محمود گلوی^۱، فاطمه گلوی^۲

^۱ دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

^۲ کارشناس ارشد ادبیات فارسی

چکیده

هنر تعزیه خوانی یا شبیه خوانی در ایران سابقه طولانی دارد و تاریخ پیدایش آن نیز مشخص نیست اما می توان گفت دوران زندیه و قاجاریه دوران رونق و شکوه تعزیه خوانی در ایران را نام برد. با نگاهی از سر تحقیق در منابع قدیم جایگاه این هنر سنتی در زندگی مردم ایران و در عصر حاضر معلوم می شود بی شک نفوذ رسانه چون تعزیه در میان شیعیان، نمی تواند بدون الطافات و توجهات فقهی و شرعی صورت گرفته باشد به طور کلی می توان گفت وجود تعزیه خوانی، مسائلی ای تازه در فقه شیعه مطرح کرد یا به عبارت دیگر فقها و عالمان را به کاوش نو در منابع دینی و آینی فرا خواند. جستجو در آثار فقهی، ما را از سیر در آرای بزرگان شیعه در این موضوع، آگاه می سازد و با بازکاوی این مسئله خواهیم دانست که آرای فقها در مواجهه با مسائل جدید تنوع دارد و محیط اجتماعی و فرهنگی بر فتوای مراجع تاثیر دارد. برگزاری مراسم عزاداری یکی از سنت های مرسوم بین مردم دنیا خصوصاً ما ایرانی ها و شیعیان می باشد، شیعیان علاوه بر برگزاری شخصی این مراسم به برپایی عزاداری برای ائمه علیهم السلام نیز بسیار اهمیت می دهند که بارزترین آن را می توان در ایام محرم و صفر و در عزاداری بر سید و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام مشاهده کرد. هدف اصلی از برپایی مراسم عزاداری ائمه علیهم السلام علاوه بر گرامیداشت یاد آن بزرگواران و ظلم های رفته بر ایشان، بصیرت افزایی و بیداری امت اسلامی به وسیله استکبار ستیزی و مبارزه با فساد می باشد. یکی از اقداماتی که دشمنان اسلام برای نابودی اسلام خصوصاً تشیع کرده اند این است که با تبلیغ برخی از اعمال نامتعارف در عزاداری ها و صحیح جلوه دادن آنها، برخی از جوانان و متدینین را به بیراهه کشانده و باعث می شوند که برخی از مردم به گمان اینکه عمل خوبی را انجام می دهند به جسم و جان خود ضرر زنند و سپس با پخش صحنه هایی این چنینی ضمن بد جلوه دادن دین و مذهب شیعه، باعث ایجاد شبهات و افکار نادرستی در اذهان عمومی می شوند. یکی از اقسام عزاداری از دیرباز، تعزیه خوانی و شبیه گردانی بوده است و تأثیر فراوانی هم بر روی مخاطبان خود دارد؛ چون کاری سمعی و بصری است؛ به این معنا که حادثه کربلا را به نمایش می گذارد. این سوال از گذشته وجود داشته که آیا تعزیه خوانی و شبیه گردانی از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟ که فقها جواب دادند به خودی خود اشکالی ندارد؛ چون یک نوع

عزاداری نمایشی است؛ البته شرایطی هم دارد و آن اینکه: کار حرامی به همراه نداشته باشد و متن آن از نسخه های صحیح و مستند باشد و کارشناسان خبره تأیید کرده باشند و دروغ در آن نسخه ها نباشد و تاریخ صحیح کربلا را به نمایش گذاشته باشند و همچنین افرادی که در آن نقش دارند، افراد خوش نامی باشند تا تصور بد و خلافی در ذهن افراد به وجود نیاورند و نکته دیگر اینکه در این تعزیه خوانی و نمایش ها کاری که باعث سست شدن اعتقاد مردم نسبت به اسلام باشد، اتفاق نیفتد که به اصطلاح می گویند موجب وهن اهل بیت (ع) نباشد و نکته بعدی اینکه رفتار افراد صاحب نقش در تعزیه و شبیه خوانی، رفتاری نباشد که سبب شود صاحب نقش اصلی در ذهن مخاطبان خدشه دار شود؛ اگر چنین اتفاقی بیفتد، نباید چنین کاری را انجام دهند؛ اما اگر تمام این موازین را رعایت کردند، اشکالی ندارد و چنین تعزیه ای یک نوع اظهار علاقه و برگزاری مجلس سوگواری خواهد بود.

واژه های کلیدی: فقه، تعزیه، پدیده ها، شبهات، جدید

مقدمه:

یکی از علل رشد و توسعه هنر شبیه خوانی مدیون عصر قاجار و کوشش های علمی و فقهی بزرگان حوزه دینی آن دوران است که با بررسی موشکافانه موانع پیش پای تعزیه را بر داشتند و بدین صورت حمایت خود را از این هنر مردمی اعلام کردند، البته در آن وقت افرادی هم از روی شفقت یا غفلت نظری مخالف اظهار می داشتند و با بی پایه بودن این مخالفت ها و تأیید نشدن از سوی بزرگان شریعت مواجهه می شد آری مخالفان شبیه خوانی در چند موضوع ایراد شبیه می نمودند و آن را برای براندازی تعزیه خوانی کافی می دانستند در حالی که با مرور اجمالی بر مواضع زعمای شیعه بطلان نظرات شبیه افکنان آشکار می گردید این غرض نادرست نسبت به تعزیه در اندیشه برخی از مسئولین فرهنگی جامعه امروز ما هم ریشه در عقاید شبیه افکنانه ی مخالفین دیروز دارد که عدم حمایت از این هنر و محافظه کاری های آن نشانه این امر است که باید با کمک بزرگان و جامعه شیعه این شبهات بی بنیان رفع گردد و راه برای احیای این سنت مذهبی ایرانی باز شود. موضوعاتی که در ذیل مطرح می شود ابهاماتی است که هیچگاه اقدامات کافی برای زدودن آنها از ذهن عامه مردم انجام نشده است:

با توجه به اینکه قبل از پیدایش تعزیه این مسئله مصداقی عینی نداشته لذا در کتب فقهی قدمای شیعه بحثی درباره آن صورت نگرفته است اما با رشد و رواج تعزیه خوانی مسئله تشبه به معصومان علیهم السلام در مجامع فقهی مطرح شد و با مطالعات و پژوهش های فقهی و علمی گوناگون حکم به جواز تشبه داده شد مگر آنکه این تشبه به اهانت و هتک حرمت آن جنابان بینجامد که تشخیص این موضوع، برعهده مکلفان این امر است و ملاک آن عرف اجتماعی می باشد جواز تلبس یا تشبه به زنان (زن خوانی) این مسئله در فقه شیعه بحث های مختلفی را در پی داشته است عده ای از فقها با استناد به روایاتی که از تشبه مردان به زنان و بالعکس نهی شده است حرمت هرگونه تلبس یا تشبه ای را نتیجه گرفتند برخی دیگر در این مسئله جانب احتیاط را پیش گرفته و گروهی بزرگ از علمای شیعه حکم به جواز دادند مراجعه به تاریخ و سیره آل الله بر ما معلوم می کند که چنانچه تشبه به جنس مخالف بر مبنای غرضی عقلایی صورت گیرد و تبدیل به زی و سیره در متشبه نشود محکوم به جواز است، تا جایی که به عینه می بینیم امیرالمومنین علی علیه السلام بعد از جریان جنگ جمل به جمعی از زنان سپاه خویش امر فرمود تا به شکل مردان مسلح شوند و عایشه را تا وطنش همراهی کنند و این فعل مولا مجوزی آشکار به اقدام تشبه موقت با رعایت ملاحظات می باشد

بیان مسئله:

معدودی از فقها مخالف خوانی را مصداق روایت شریف «من تشبه بقوم فهو منهم» می دانند! اما این شبیه در میان مخالفان تعزیه نیز بی پایه و سطحی است و مورد استناد قرار نگرفته بی تردید مراد روایت فوق تشبه ای هست که در صورت های مختلف نظیر گفتار و کردار و مرام صورت بگیرد نه با اینکه با هدف شناساندن اهداف قبیح و پندار های نادرست دشمن در قالب نمایش آیینی اجرا شود

آلات تشبه به موسیقی (شیپور، سنج و...) استفاده از آلاتی نظیر طبل، شیپور، سنج و... نظرات مختلف مراجع و زعمای شیعه را در بر داشته است که عده ای از فقها کاربرد آن را جایز دانسته و گروهی اندک حکم به حرمت داده اند. حکم کلی این افراد آن است که این آلات نباید متناسب با مجالس لهو و لعب باشد که پر واضح است که تعزیه خوانی نه تنها هیچ سنخیتی با لهو و لعب ندارد بلکه اساس آن اقامه امر و عزای ائمه اطهار علیهم السلام می باشد. استفاده این آلات در مجالس تعزیه خوانی با هدف ترسیم صحنه های جنگی و یا ایجاد حزن و اندوه صورت می گیرد و پس چنین کاربردی را نمی توان حرام دانست

شبهه افکنی در شبهه خوانیالبتّه که صد البتّه مغرضین به عزاداری سید الشهداء علیه السلام و مراسم تعزیه خوانی همیشه در پی شبهه افکنی های نادرست به ساحت مقدس امام و عزای او هستند و در کتاب شریف کامل الزیارات می خوانیم دشمنان می خواهند نام امام حسین علیه السلام را خاموش کنند اما نور هدایت حسینی هر روز پر فروز تر می شود یکی از شبهاتی که مطرح می کنند چه در برگزاری مجالس تعزیه و چه در برگزاری مراسم عزاداری اختلاط بین زن و مرد است که این امر اولاً باعث حرمت و تعطیلی این گونه مجالس نمی شود زیرا موارد یاد شده در نظام این گونه مجالس جایی ندارد و ثانیاً با برنامه ریزی های هیات مذهبی و مسئولان تعزیه خوانی این امر به راحتی قابل حل است یکی دیگر از این شبهات بوجود تحریف در نسخ تعزیه خوانی که با به روز شدن برخی نوشته های تعزیه به وجود آمده است که در جواب به این عده از شبهه افکنان باید عرضه داشت که این امر زیر نظر اساتید شبهه خوان و تعزیه شناس و افرادی که با ظرائف هنری آشنا می باشند و اساتید تاریخ شناس و مسلط به روایات و متون حدیثی صورت می پذیرد و تنها این گروه از افراد هستند که صلاحیت در این امور را دارا می باشند که با توجه به اشخاص یاد شده مطمئناً در نسخ شبهه خوانی هیچ انحرافی بوجود نخواهد آمد.

فتوای شیخ الفقها آیت اله العظمی میرزای نائینی (ره)

اهالی بصره و توابع آن از مرحوم میرزای نائینی (ره) استاد مراجع اعظام تقلید در نامه ای درباره هیات عزا و آنچه مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام است استفتا نمودند و در ذیل ترجمه پاسخ ایشان را که مورد تایید بسیاری از علمای متقدم و معاصر می باشد این گونه است: پس از عرض سلام به برادران مومن از اهالی بصره نامه های پی در پی شما که توسط تلگراف سوال فرموده بودید از حکم هیئت عزا و آنچه مربوط آن است بحمد الله در حالت سلامتی که از این سفر برگشتیم جواب سوال شما را در مسائل زیر مطرح می کنم.

اول: بدیهی است که در آوردن هیئت عزا و سوگواری امام حسین علیه السلام در دهه عاشورا و غیر آن در راه ها و خیابان ها به نحوی که معلوم است از آشکارترین مصادیق سالار شهیدان مظلوم کربلاست که رجحان آن بر هر مسلمانی واضح است و آسان ترین راهی است برای تبلیغ هدف بزرگ حسین بن علی علیه السلام... لکن باید این شعائر بزرگ از هرگونه محرمات مانند آواز خوانی واستعمال آلات لهو و لعب و نزاع و کشمکش برای جلو و عقب رفتن خالی باشد و اگر گاهی چنین محرماتی در بعضی از هیات عزا واقع شد مربوط به هیئت عزا نیست و حرمت آن ها سرایت عزاداری نمی کند مانند نگاه کردن نمازگزار در حال نماز به زن نامحرم

دوم: در جواز با دست به صورت زدن بطوری که گونه ها و صورت سرخ و سیاه شود اشکالی نیست، بلکه اقوی جواز زنجیر زدن به شانه و بدن به حدی که به بیرون آمدن قطره ای خون منجر گردد...

سوم: ظاهراً جایز است تشبیهات و تمثیلاتی که در هیئت عزا معمول بین شیعیان که در چند قرن است متداول است، برای بپا داشتن عزا و گریه و گریانیدن و خود را به گریه زدن چه مردها لباس زنان و چه زن ها لباس مردان را بپوشند اگر ما در سابق (چهار سال قبل) اشکال در این مسئله داشتیم و حکم به جواز را مقیداً گفتیم لکن بعد از اینکه به ادله مراجعه کردیم و برای ما آشکار شد که روایاتی که تحریم تشبیه و تمثیل را می گوید حاکی است مرد ها را از شکل و حدود مردان خارج شوند و در شکل نسا در آیند نه فقط لباس آنان را در بر کرده و زمان کمی بدون اینکه از حدود مردان خارج شوند... باید در هیئت عزا محرمات صورت نگیرد و اگر چه حرامی واقع شد به اصل عزاداری سرایت نمی کند.

چهارم: دمام (شیپور، طبل) که در سوگواری حسینی استفاده می شود حقیقتش برای ما آشکار نشده است پس اگر مورد استعمالش اقامه عزای حسینی و طلب و جماع و آگاه کردن سواران بر سواری وهوسات عربی ونحو آن باشد واستعمال برای مراسم لهو ولعب و شادی نباشد کما اینکه در نجف اشرف در زمان ما معمول است، جواز استعمال آن است. پنج ربیع الاول ۱۳۴۵ هـ حرره الاحقر محمد حسین الغروی النائینی پس از منتشر شدن فتوای فوق وعرضه آن خدمت سایر علما و مراجع شیعه بیش از ۲۰۰ نفر از زعمای بزرگ تشیع هرکدام در مکتوبی جداگانه نظر ایشان را تایید و عمل به آن را مجاز دانسته اند.

بررسی فقهی اعمال نامتعارف در عزاداری های شخصی

امام خمینی رحمه الله علیه فرموده است:

«لطمه زدن، خراشیدن بدن، بریدن و کندن مو (در عزاداری بر میت) جایز نیست و نیز داد زدن خارج از حد اعتدال، بنابر احتیاط جایز نمی باشد. همچنین چاک زدن پیراهن در غیر عزای پدر و برادر جایز نیست، بلکه در برخی از امور یاد شده کفاره واجب می شود»^{۱۲}.

دلایل حرمت اعمال نامتعارف

اجماع

شیخ طوسی در مورد حرمت لطمه زدن، خراشیدن بدن و بریدن مو ادعای اجماع کرده است^{۱۳}. مقدس اردبیلی نیز در این که مرد گریبانش را در غیر عزای پدر و برادر پاره کند، ادعای اجماع نموده است^{۱۴}. اگر این اجماعات محقق شده باشند، می تواند دلیل قابل اعتمادی باشد.

اضرار به نفس و تضييع اموال

ضرر بر نفس و خویشتن شش صورت دارد:

گاهی ضرر بر خویشتن به صورت قتل و خود کشی است.

گاهی ضرر بر نفس به صورت قطع عضو است یعنی گاهی کسی از روی عمد یکی از اعضای بدنش را قطع می کند که فروختن کلیه نیز از همین مقوله است.

گاهی ضرر بر نفس به صورت از بین بردن صفتی از صفات رجلیت است، به این معنی که شخصی خودش را عقیم می کند.

گاهی خودش را در معرض امراض قرار می دهد یعنی کاری می کند که بیماری به سراغ او بیاید، مثل سیگار کشیدن و امثال سیگار که منشأ بیماریهای مختلف می شوند.

۵ گاهی ضرر بر خویشتن به صورت ضرر مالی است البته ضرری که به سرحد اسراف نرسد چون اگر به حد اسراف برسد نیازی به قاعده (لاضرر) نیست ولی غرض عقلانی در این ضرر زدن بر خودش ندارد.

گاهی ضرر بر نفس به صورت کوچک کردن و ذلیل نمودن شخصیت خویشتن است، مثل اینکه یک فرد مسلمان جارو کش فردی کتابی و غیر مسلمان بشود یا تکدی گری کند.

بنابراین ضرر بر نفس و خویشتن همانند ضرر زدن بر غیر است و همانطور که اضرار بر غیر حرام است، اضرار بر نفس و خویشتن نیز حرام می‌باشد و در میان فقهای شیعه کسی را سراغ نداریم که اضرار بر نفس را جایز بداند.¹⁵

ادله کسانی که اضرار بر نفس و خویشتن را حرام می‌دانند چند چیز است:

الف. الکتاب

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا»¹⁶

در این آیه نخست اشاره به این حقیقت می‌کند که راه توبه، به روی افراد بدکار به هر حال باز است و «کسی که به خود یا دیگری ستم کند و بعد حقیقتاً پشیمان شود و از خداوند طلب آمرزش کند و در مقام جبران برآید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت»¹⁷. اگر اضرار به خویشتن جایز بود دیگر نیازی به توبه نبود پس از اینجا حرام بودن آن را در می‌یابیم.

ب. السنه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»¹⁸

تقریب استدلال این است که اگر اضرار بر نفس و خود حرام است که (فهو المطلوب) همان مطلوب ما ثابت می‌شود، چون ما نیز هم به دنبال اثبات حرمت اضرار بر نفس هستیم، اما اگر اضرار بر خود حرام نباشد بلکه مکروه و یا مباح باشد، این با قاعده (لا ضرر) نمی‌سازد یعنی معنی ندارد که شارع از یک طرف بفرماید: در صحیفه تشریع و قانونگذاری هیچگونه ضرری (اعم از ضرر اباحی و کراهتی و ضرر حرمتی) وجود ندارد، از طرف دیگر هم بفرماید که اضرار بر نفس و خویشتن مباح و یا مکروه است. بنابراین مکروه بودن یا مباح بودن اضرار بر نفس و خویشتن با قاعده (لاضرر) سازگاری ندارد، پس چاره ای جز این نداریم که بگوییم اضرار بر نفس و خویشتن حرام است¹⁹.

ج. العقل

«مدلول این قاعده جزء مستقلات عقلی است زیرا عقل و منطق زندگانی اجتماعی، به طور بدیهی حکم می‌کند که اگر قانونی از اضرار به غیر و ضرر به خویشتن جلوگیری نکند زندگی جمعی نه تنها دشوار بلکه امکان ناپذیر خواهد بود. حکم اضرار به غیر بسیار بدیهی است و اما ضرر به خویشتن بر دو نوع است: اول تحمل ضرر از دیگری یا ستم پذیری، تحمل ضرر از دیگری علاوه بر آنکه مخالف قوانین زندگانی است، می‌تواند برای ستمکاران میدان عمل و فعالیت را باز کند. دوم تحمل ضرر از خویشتن (خودزنی) نیز جایز نیست زیرا هیچکس مجاز به خیانت و وارد کردن ضرر به خویشتن نیست»²⁰.

با توجه به مطالب بیان شده:

چاک زدن گریبان، موجب تضییع مال و سیلی زدن، خراشیدن بدن و کندن مو، اضرار به بدن است. تضییع مال و اضرار به بدن حرام است. چنان که برخی از فقها، تضییع مال را از ادله حرمت چاک زدن گریبان ذکر کرده اند²¹.

عدم رضایت نسبت به قضای خداوند متعال

امام جواد علیه السلام فرمود:

«تَوَسَّدَ الصَّبْرَ وَ اعْتَنَقَ الْفَقْرَ وَ ارْفَضَ الشَّهَوَاتِ وَ خَالَفَ الْهَوَى وَ اعْلَمَ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ»²²

در زندگی، صبر را تکیه گاه خود، فقر و تنگ دستی را همنشین خود قرار بده و با هواهای نفسانی مخالفت کن و بدان که هیچ گاه از دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی ماند، پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود . امور یاد شده (لطمه زدن، خراشیدن بدن، کندن مو، گریبان چاک زدن) به معنای عدم رضایت و خشمگین بودن نسبت به قضای خداوند متعال و در نتیجه حرام خواهد بود، چنان که صاحب جواهر و برخی از فقها، این مطلب را از ادله حرمت امور یاد شده یا برخی از آنها دانسته اند²³ .

روایات

دلیل عمده در این مسأله روایات هستند. زیرا روایت‌های متعددی بر حرمت امور یاد شده دلالت دارند که در اینجا مواردی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می کنیم:

در خبر خالد بن سدید آمده است:

«و اذا شَقَّ زوج علی امرأته او والدَّ علی ولده فکفارتہ حنث یمین... فاذا خدشت المرأة وجهها او جزت شعرها او نتفتہ ففی جز الشعر عتق رقبة او صیام شهرین متتابعین او اطعام ستین مسکیناً و فی الخدش اذا ادمیت و فی التفت کفارة حنث یمین و لا شیء فی اللطم علی الخدود سوی الاستغفار و التوبة»²⁴

اگر پدر در مرگ فرزندش و مرد در مرگ همسرش، پیراهن پاره کند، کفاره آن همانند شکستن قسم است... هرگاه زن صورتش را بخراشد یا موهایش را ببرد یا بکند برای بریدن مو، باید برده‌ای آزاد کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد یا شصت فقیر را غذا دهد. برای خراشیدن صورت که خون خارج شود و برای کندن مو، کفاره شکستن قسم و برای لطمه بر گونه‌ها، کفاره‌ای جز استغفار و توبه نمی‌باشد».

بررسی فقهی اعمال نامتعارف در عزاداری ائمه علیهم السلام

امور مورد ابتلا در عزاداری ها بر دو قسم می باشد:

سرزنی، سینه زنی و مانند آن (لطمه زدن)

قمه زنی و زنجیرزنی

روایات وارد شده در عزاداری برای ائمه علیهم السلام به چند دسته تقسیم می شوند:

روایاتی که به گریه کردن تشویق کرده اند

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرَ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتَحِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَ هَتَكَتْ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَ سَبَى فِيهِ ذُرَارِيَنَا وَ نِسَاؤُنَا وَ أَضْرَمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِينَا وَ انْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثَقَلَيْنَا وَ لَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمَهُ فِي أَمْرِنَا أَنْ يَوْمَ

الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثَتَنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحْطُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكَآبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى تَمُضِيَ عَشْرَةُ أَيَّامٍ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ: هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ²⁵. »

محرم ماهی بود که اعراب جاهلی حرمت آن را نگه می داشتند و جنگ نمی کردند. اما در این ماه بود که خون ما را حلال شمردند و حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنانمان را به اسیری بردند و خیمه هایمان را به آتش کشیدند و دارایی هایمان را غارت کردند و حرمت رسول خدا را در مورد ما نگه نداشتند. همانا روز حسین (عاشوراء) مژه های ما را از شدت گریستن مجروح ساخت و اشکهایمان را جاری کرد و عزیز ما را در سرزمین گرفتاری و بلا ذلیل کرد و ما را میراث دار گرفتاری و بلا تا روز انقضاء (مرگ) نمود، پس بر مثل حسین، گریه کنندگان باید گریه کنند؛ چرا که گریه بر او گناهان کبیره را از بین می برد. سپس فرمود: زمانی که محرم وارد می شد، پدرم دیگر نمی خندید و پیوسته محزون بود تا اینکه ده روز سپری می شد. زمانی که روز دهم می رسید، آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه اش بود و می فرمود: این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن کشته شده است.

روایاتی که از اعمال نامتعارف نهی کرده اند

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمود:

«مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعَزَاءِ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا»²⁶

کسی که در گرفتاری هایی که از جانب خدا می رسد، صبر نکند، روح و روانش در حسرت دنیا از هم می پاشد. در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

«إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا تَحْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا وَ لَا تُرْخِي عَلَيَّ شَعْرًا وَ لَا تُنَادِي بِالْوَيْلِ وَ لَا تُقِيمِنَّ عَلَيَّ نَائِحَةً»²⁷

زمانی که من وفات کردم، به صورتت چنگ مزن و موهایت را پریشان مکن و صدایت را به واویلا گفتن بلند مکن و بر من نوحه مخوان.

بررسی حقوقی عزاداری های نامتعارف در ایران

عزاداری های نامتعارف، علاوه بر اینکه نوعی توهین به مقدّسات می باشد و از نظر شرعی هیچ مجوزی ندارند و باعث اضرار به بدن و جان می شوند نیز باید از جهت قوانین ایران بررسی شود.

توجه به وضعیت تکوینی انسان موجب می شود تا بین شخص و اعضای بدن وی رابطه مالکیت ذاتی برقرار شود و شخص به موجب چنین سببی بر خود و اعضای بدنش مالکیت پیدا کند، بنابراین می توان مالکیت انسان بر اعضا را چنین تعریف کرد:

«رابطه، سلطه یا حقّ دائمی است که بین انسان و اعضای وی مقرر شده و قانونگذار آن را معتبر شناخته و شخص به موجب چنین حقی می تواند در حدود قوانین تصرف در اعضایش را به خود اختصاص دهد، به گونه ای که از تمام منافع ممکن آن استفاده کند و کسی نتواند از وی جلوگیری نماید»²⁸.

«البته باید توجه داشت که مالکیت بر اعضای بدن در مقایسه با مالکیت بر اموال و اشیا تفاوت هایی دارد؛ به عنوان مثال طبق ماده ۳۰ قانون مدنی «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون استثنا

کرده باشد²⁹». و عمده ترین مانع کلی و قانونی که اطلاق حق مزبور را محدود و مقید می‌کند، اصل ۴۰ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»³⁰. غیر از این محدودیتی که اصل ۴۰ بنا بر فرض ثبوت مالکیت انسان بر اعضا قرار می‌دهد، از نظر فقهی نیز محدودیت‌هایی برای این مالکیت وجود دارد که عبارت است از حکم تکلیفی «حرمت اضرار به نفس» در حال حیات و «حرمت قطع اعضای میت (مثله کردن)» و همچنین «وجوب دفن میت» در زمان فوت. طبق مبانی و ادله فقهی، انسان باید به نحوی با اعضای خود رفتار کند که به خود و اعضایش ضرر وارد نکند. گروهی معتقدند با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها برای مالکیت انسان نسبت به اعضا این حق مالکیت چنان محدود و مقید می‌شود که دیگر نمی‌توان بر چنین حقی عنوان مالکیت اطلاق کرد و اگر اطلاق شود با مسامحه خواهد بود. ما معتقدیم هر قدر هم که این مالکیت محدود شود باز هم می‌توان ادعا نمود که رابطه انسان با اعضایش مالکیت ذاتی است و مانعی برای تحققش وجود ندارد، البته اذعان می‌کنیم گستره این مالکیت بسیار محدود می‌شود. مؤید دیگر در این باره پاسخ برخی از فقهای معاصر به استفتاهای انجام شده نسبت به نوع رابطه شخص با اعضای جدا شده در اثر اجرای حد یا قصاص است که از اصطلاح «ملک» استفاده کرده‌اند و بر آن تصریح دارند³¹.

برپایی عزاداری‌ها از منظر برخی از آیات عظام

کیفیت برگزاری مجلس عزاداری و سوگواری

آیات عظام؛ خامنه‌ای، مکارم شیرازی، سیستانی، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و صافی گلپایگانی دامت برکاتهم درباره کیفیت برگزاری مراسم عزاداری چنین اتفاق نظر دارند:

- در مجلس عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، ذکر اهداف مقدس قیام امام حسین علیه‌السلام و تاریخچه کربلا و تحلیل فرازهای آن و مراسم سوگواری و روشن کننده اهداف عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و مانند آن باشد.
- فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، امر به معروف و نهی از منکر، بیان احکام الهی، مطرح شود.
- از هر کاری که موجب وهن مجالس مذهبی و عزاداری باشد خودداری شود.
- از گفتن جملاتی که بوی شرک و کفر می‌دهد اجتناب شود.
- از هر کاری که موجب ضرر شدید به بدن یا ناقص شدن آن می‌شود باید اجتناب شود.

حکم برهنه شدن در سینه زنی‌ها و عزاداری‌ها

آیات عظام؛ امام خمینی رحمه الله علیه، سیستانی، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و صافی گلپایگانی دامت برکاتهم می‌فرمایند:

لخت شدن مردان، برای سینه زنی اشکال ندارد؛ لیکن زن‌ها نباید به بدن مرد آجنبی نگاه کنند.

آیات عظام؛ خامنه‌ای، مکارم دامت برکاته:

لخت شدن برای سینه زنی در جایی که در معرض دید خانم‌ها باشد جایز نیست.

حکم تعزیه و شبیه خوانی

آیات عظام؛ امام خمینی رحمه الله علیه، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی، شبیری زنجانی و وحید خراسانی دامت برکاتهم: اگر مشتمل بر حرام مانند دروغ و آلات لهو نباشد و موجب وهن مذهب و عزاداری نباشد اشکال ندارد، ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها، مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود. آیت‌الله وحید دامت برکاته: لیکن شبیه ساختن به اهل بیت علیهم السلام جایز نیست. آیت‌الله صافی دامت برکاته: به طور کلی تعزیه‌خوانی چنانچه مشتمل بر محرمات نباشد اشکال ندارد و اصولاً مناسب این است که عزاداری حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام به صورت مجلس روضه‌خوانی برگزار شود تا سخنرانان عالم و وعاظ و روضه‌خوان‌های متعهد ضمن ذکر مصائب آن بزرگواران با ذکر فضائل و مناقب و تاریخ زندگی ایشان و بیان احادیث و احکام و تبلیغ معارف اسلام و دفع بدع و شبهات، مردم را آگاه و به مکتب اهل بیت علیهم السلام هدایت و ارشاد نمایند.

آیا سینه‌زنی و زنجیر زنی در عزاداری که منجر به کبود شدن بدن می‌شود، جایز است؟

آیات عظام؛ امام خمینی رحمه الله علیه، خامنه‌ای، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و صافی گلپایگانی دامت برکاتهم: اگر موجب ضرر مهم بر بدن نباشد اشکال ندارد. آیت‌الله مکارم دامت برکاته: سینه زنی و زنجیر زنی از شعائر حسینی است ولی از آسیب رساندن به بدن خودداری شود. آیت‌الله سیستانی دامت برکاته: اشکال ندارد.

حکم قمه زدن

آیت الله بهجت رحمه الله علیه: از هر عملی که باعث وهن و تشیع می‌شود باید پرهیز نمود. آیت الله نوری همدانی دامت برکاته: قمه زدن اشکال دارد. آیت الله مظاهری اصفهانی دامت برکاته: قمه زدن و مانند آن جائز نیست. آیت الله سید کاظم حائری دامت برکاته: خرافاتی مانند قمه زنی، موجب بدنامی اسلام و تشیع است. آیت الله نوری همدانی دامت برکاته: عزاداران محترم و متعهد به جای اینکه قمه را بر فرق خود بکوبند در فکر آن باشند قمه را بر سر دشمنان اسلام که اراضی آنان را اشغال و در فکر تضعیف آنان می‌باشند و منابع آنان را غارت و بالاخره هر روزی با ترفند جدیدی حیات اسلامی آنها را به مخاطره می‌اندازند بکوبند. خداوند توفیق بیشتر برای پیمودن این راه به همه مسلمانان عنایت بفرماید³². در باب اهمیت عزاداری در اسلام بالخصوص عزای ابا عبدالله الحسین علیه السلام بزرگان سخنان فراوانی گفته اند من جمله رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمه الله علیه می‌فرماید:

«زنده نگه‌داشتن عاشورا یک مسأله بسیار مهم سیاسی - عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد یک مسأله سیاسی است. مسأله ای است که در پیشبرد انقلاب اثر به سزا دارد. ما از این اجتماعات استفاده می‌کنیم .

«مجالس عزا را با همان شکوهی که پیش‌تر انجام می‌گرفت و بیشتر از آن، حفظ کنید و اهل منبر آیدهم الله تعالی کوشش کنند در این که مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی اسلامی، مسائل اجتماعی اسلامی و از روضه دست برندارید که ما با روضه زنده هستیم»³⁴.

لذا لازم است به عنوان نکته پایانی آداب عزاداری را در اسلام تا حدودی بیان نماییم:

آداب عزاداری ائمه علیهم السّلام در اسلام

برخی از این آداب بدین شرح می باشد:

سیاه پوشی

تسلیت گویی

از آداب عزاداری و سوگواری «تسلیت گفتن» به یکدیگر است. منشاء تسلیت گفتن در مصائب اهل بیت علیهم السّلام، محبت و عشق به اهل بیت علیهم السّلام است و اثر و دستاورد آن آمادگی برای پیروی از آن هاست. اهل بیت علیهم السّلام در گفتار و رفتار برای چگونه گفتن و چگونه زیستن اسوه حسنه اند. برای عرض تسلیت در مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السّلام نیز باید از کلام امامان علیهم السّلام الهام گرفت³⁵.

اصل تسلیت گفتن در شرایط مصیبت و اندوهی که بر کسی وارد شده در اسلام مستحب است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: هرکس مصیبت دیده‌ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او دارد³⁶.

امام باقر علیه السّلام هم فرمودند:

وقتی شیعیان به هم می‌رسند ابا عبدالله علیه السّلام این جمله را تکرار نمایند:

«أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَّارَهُ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

«خداوند اجر ما را به سوگواری و عزاداری بر امام حسین علیه السّلام بیفزاید و ما و شما را از خونخواهان او همراه با ولی خود امام مهدی از آل محمد علیهم السّلام قرار بدهد»³⁷.

تعطیلی کار در روز عاشورا

امام صادق علیه السّلام فرمود:

کسی که روز عاشورا را تعطیل کند، یعنی عقب کسب و کارش نرود و به کوری چشم بنی امیه که روز عاشورا را متبرک می دانستند، اگر کسی برای معیشت روزانه اش هم فعالیتی نکند، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را برآورد و کسی که روز عاشورا روز حزن و اندوه او باشد، در عوض فردای قیامت که برای همه روز هول و ترس است برای او روز شادی خواهد بود³⁸.

بکاء و گریه

به فرموده امام صادق علیه السّلام هر ناله و گریه ای ناپسند و مکروه است، مگر نالیدن و گریستن بر حسین علیه السّلام:

«كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ»³⁹

در روایتی دیگر حضرت می فرمایند:

«مَنْ انْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْتَ شِعْرِ فَبَكَى وَابْكَى عَشْرَةَ فَلَهُ وَلَهُمُ الْجَنَّةُ»⁴⁰

هرکس درباره حسین علیه السلام شعری بگوید و گریه کند و ده نفر را بگریاند، برای او و آنان بهشت است هرکه یاد کند مصیبت ما را و بگرید و بگریاند مردم را، در روز قیامت در درجه های ما خواهد بود و هرکه مصیبت ما را یاد کند و گریه کند، چشم او در روزی که چشم ها همه بگریند، نگردد و هر که در مجلسی بنشیند و دین ما را احیاء نماید، دل او نمیرد در روزی که دلها همه بمیرند⁴¹.

برگزاری مجالس عزاداری

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مجلس گرفتن شما را من دوست دارم. در مجالس خود «امر ما را» زنده بدارید، خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده بدارد⁴².

رعایت اخلاص

اخلاص یعنی خالص نمودن اندیشه و نیت و اخلاق و عمل و عبادت و تمام اعضا و جوارح برای خدا که دو نکته اساسی در آن لحاظ می شود. یکی اینکه؛ خود عمل و اندیشه و سخن گفتن و عبادت و مانند آن عملی خدایی و خدا پسند باشد و دیگر اینکه؛ انسان این عمل خداپسند را برای رضای خدا انجام دهد و نیت و انگیزه اش هم خدایی باشد. آنگاه وقتی عمل و نیت خدایی شد نتیجه اش خدایی شدن تمام وجود انسان می شود و آدمی به کمال و سعادت نهایی خود می رسد. به عبارتی شرط کمال انسان اخلاص است، به معنی خالص سازی تمام ابعاد وجودی انسان برای خدا و به قصد خدایی شدن کامل انسان. اگر کسی به اخلاص برسد این خود نشانگر صحت راه او است. یعنی در مسیر خدا حرکت کرده و خود را از غیر خدا خالص نموده است⁴³.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنَ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ إِذْ لَوْ لَمْ يَكُنْ بِهَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا وَ الْغَافِلُونَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِقَوْلِهِ: «إِنَّهُمْ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» وَقَالَ: أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»⁴⁴ ...

شرط بندگی خدا این است که در هر حرکت و سکونی نیتش را برای خدا خالص سازد زیرا اگر چنین نکند، غافل است و غافلان را خداوند تعالی این گونه توصیف فرموده: اینان مانند چهارپایان بلکه گمراه تر هستند و نیز فرموده: اینان همان کسانی هستند که غافلند».

توجه به نماز اول وقت در مراسم عزاداری

در باب فضیلت نماز اول وقت چنین آمده است:

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

«هر که نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و درست ادا کند، فرشته آن را پاک و درخشان به آسمان رساند و آن نماز فریاد زند خدا تو را حفظ کند چنانچه حفظم کردی و تو را به خدا سپارم چنانچه مرا به فرشته ای کریم سپردی و هر که بدون عذر

بعد از وقتش، آن را بدون دقت و ارتباط معنوی لازم بخواند، فرشته آن را سیاه و تاریک بالا برد و آن نماز فریاد کشد خدا ضایعت کند چنانچه ضایع می‌کردی و رعایت نکند چنانچه رعایت نمی‌کردی^{۴۵}»

از امام حسین علیه السلام به نفع نماز استفاده کنیم. وقتی در ظهر عاشورا یکی از یاران امام حسین علیه السلام به حضرت از فرا رسیدن وقت نماز خبر می‌دهد، حضرت برای او دعا می‌کند که از نمازگزاران باشد؛ آنگاه در مقابل تیره‌های عدو نماز اول وقت را به جا می‌آورد. با توجه به مطالب بیان شده پی می‌بریم که عزاداری در اسلام دارای شرایط و آداب مخصوصی می‌باشد و اگر کسی از این شرایط و آداب تخطی کند و به اعمال نامتعارفی دست زند نه تنها مورد قبول و پذیرفته نمی‌باشد بلکه در برخی از مواقع آثار و عذاب اخروی را نیز در پی دارد.

نتیجه‌گیری:

«شعائر حسینی هم‌چون سایر شعائر دینی، تأثیر شگرفی در زنده نگه‌داشتن روحیه دینی و حفظ امنیت اسلامی متدینین، به خصوص شیعیان و یأس و ناامنی دشمنان اسلام داشته است. اهل بیت عصمت و طهارت (ع) با زبان‌های گوناگون و رفتارهای عملی خود به تکریم و تعظیم مجالس سوگواری آن حضرت همت گماشتند.

برخی از شعائر حسینی و بعضی از انواع عزاداری‌های نوظهور مانند قمه زنی، از مسیر حقیقی خود خارج شده و به جای آن‌که تبلیغی آشکار و محکم برای دین حنیف اسلام و مکتب حق جعفری به شمار آید و دشمنان را مأیوس سازد، تأثیری معکوس داشته است. به همین دلیل نقش حاکم اسلامی در این‌جا کاملاً روشن می‌شود تا مسیر عزاداری به سمت و سویی هدایت نشود که مقصود و مطلوب دشمنان است. «مسأله قمه‌زنی بیش از سایر علائم مربوط به عزاداری، محل بحث و اختلاف میان فقهای امامیه است. گروهی آن را کاری بیهوده و موجب وهن شیعه و یا اضرار به نفس دانسته و به حرمت آن فتوی داده‌اند، بلکه حکم حکومتی درباره آن وجود دارد، اما گروهی دیگر، این عمل را نه موجب وهن شیعه می‌دانند و نه از مصادیق اضرار به نفس، بر این بنیان به اباحه و حتی استحباب آن حکم نمودند».

چنانچه تعزیه خوانی، مشتمل بر امر حرامی مانند: دروغ یا هتک حرمت امامان بزرگوار و بزرگان دیگر و امثال اینها نباشد و مانع مجالس سخنرانی و نماز نگردد، اشکالی ندارد. (خامنه‌ای⁺منبع)

پوشیدن لباسی که مخصوص زن نمی‌باشد و صرفاً برای پوشیدن در شبیه خوانی درست شده اشکالی ندارد. (مکارم شیرازی⁺منبع)

به طور کلی، تعزیه‌خوانی چنانچه مشتمل بر محرمات و آلات لهو از قبیل طبل و شیپور و سنج نباشد و اشعار دروغ و غنا نخوانند و مرد لباس زن نپوشد، اشکال ندارد و درخشان بودن سابقه تعزیه‌خوان شرط نیست، ولی اگر سوء سابقه خصوص سوء حال فعلی عرفاً توهین باشد، نباید آن اشخاص مجری باشند و اصولاً مناسب این است که عزاداری حضرات ائمه طاهرین (ع) به صورت مجلس روضه‌خوانی برگزار شود تا سخنرانان عالم و وعاظ و روضه‌خوان‌های متعهد ضمن ذکر مصائب آن بزرگواران با ذکر فضائل و مناقب و تاریخ زندگی ایشان و بیان احادیث و احکام و تبلیغ معارف اسلام و دفع بدع و شبهات، مردم را آگاه و به مکتب اهل بیت (ع) هدایت و ارشاد نمایند. (صافی گلپایگانی⁺منبع)

در مراسم تعزیه، پولی که مردم داخل تشت یا روی شمشیر قرار می‌دهند و آن پول را نذر امام حسین (علیه السلام) می‌کنند؛ اگر به نیت داده‌اند، استفاده شخصی تعزیه‌خوانان از آن اشکال ندارد و الا جایز نیست (مکارم شیرازی⁺منبع)

منابع:

۱. ایزدی، علی، شکل‌گیری تعزیه در ایران؛ تعزیه سیار اراک و مقایسه با تاترواگن ایتالیا (قرون وسطی)، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۲. بطحایی، سیدهاشم، «شعر و نقش آن در جامعه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ۵۲ (۱۶۴)، ۱۳۸۱.
۳. بلاتر، آدام، درون‌پردازی؛ روان‌درمانی با شیوه‌های نمایشی (تئاتر درمانی)، ترجمه حسن حق‌شناس و حمید اشکانی، تهران؛ رشد، ۱۳۸۳.
۴. بلبلی، ربیعی، عزاداری در اردبیل. ج ۱، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۵.
۵. بلوکباشی، علی، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، ۱۳۸۳.
۶. بیدگلی مشهدی، جمشید، و احمد پدram، استفاده از ادبیات (شعر) در حفظ و ارتقای بهداشت و سلامت روان، نهمین همایش سراسری تازه‌های پزشکی و پیراپزشکی اصفهان. ۲۷ الی ۲۹ خرداد، ۱۳۸۲.
۷. پهلوان، کیوان، و احمد حسینی، موسیقی و تعزیه در ایران، تهران، آرون، ۱۳۸۷.
۸. تقدسی‌نیا، خسرو، پرسش پیرامون حماسه کربلا، چ سوم، قم، مؤسسه انتشارات ائمه، ۱۳۸۰.
۹. صدرالسادات، مهران، «تعزیه در هنر نقاشی عامیانه»، فصلنامه مشکوه، ش ۷۶ و ۷۷، ۱۳۸۹.
۱۰. عناصر، جابر، تعزیه: نمایش مصیبت، تهران: جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی) بخش فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۱. عناصری، جابر، درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی) بخش فرهنگی، ۱۳۶۶.
۱۲. عناصری، جابر، «شبیه‌خوانی، گنجینه I نمایش‌های آیینی، مذهبی»، مجموعه مقالات سمینار پژوهشی تعزیه، تهران، نمایش (مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۷۲.
۱۳. عناصری، جابر، مردم‌شناسی و روان‌شناسی هنری، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
۱۴. عناصری، جابر، «کاربرد رنگ‌ها در تعزیه»، روزنامه ایران، ش ۳۵۹۱، ۱۳۸۵.
۱۵. فتحی، طاهر، پسیکودرام، تهران، سپند هنر، ۱۳۸۰.
۱۶. قنبری همدانی، حشمت‌الله، از عاشورا تا اربعین، چ دوم، تهران، ستاد برگزاری برنامه‌های فرهنگی برای سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۷. کریمی، یوسف، روان‌شناسی اجتماعی، چ هشتم. تهران، ارسباران، ۱۳۸۸.
۱۸. گلی‌زواره، غلام‌رضا، ارزیابی سوگواری‌های نمایشی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۹. معتمدی، غلامحسین، «روان‌شناسی گریه»، روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۶.
۲۰. هییس، نیکی، روش‌های پژوهش در روان‌شناسی، ترجمه محمد نریمانی و ناصر نورانی دگرماندرق، اردبیل، باغ رضوان، ۱۳۸۳.

21. Baron, R.A. & Byrne, D, **Social psychology** (8 th End.) , Boston, Allyn & Bacon, 1997.
22. Blatner, A, "Theoretical principles underling creative arts therapies", **The Arts in psychotherapy**, 18 (4) , 1992.
23. Blatner, A, "An interview with Adam Blatner about psychodrama", **North American Journal of Psychology**, Vol.5, NO.1, 2003.